

# نقش وقف

## در فقر زدایی از جامعه

ابراهیم فلاح<sup>۱</sup>

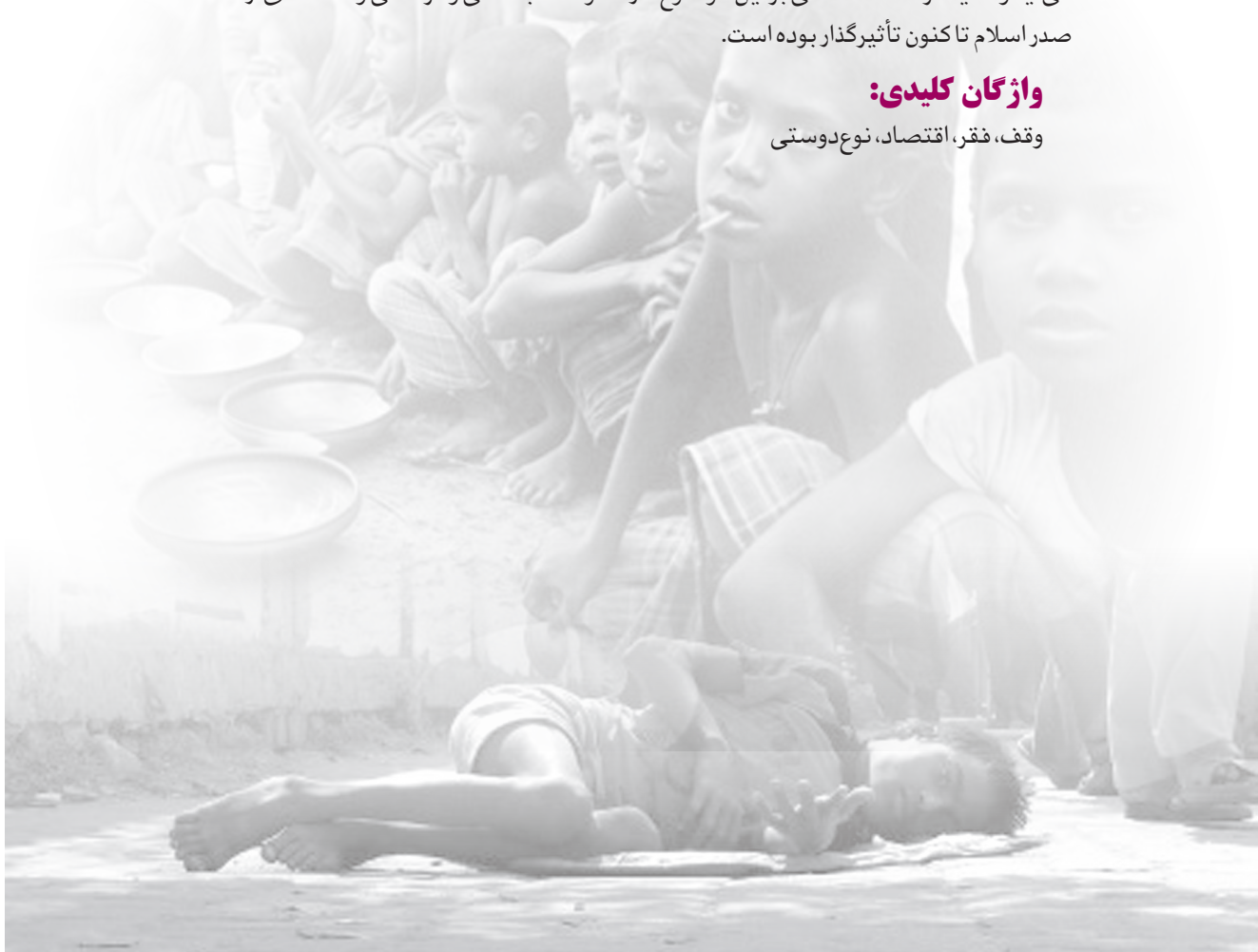
### چکیده

وقف، میراث جاویدان و راه‌گشایی برای رفع محرومیت‌های مادی و معنوی جامعه و یادگار جاودانه‌ای از کرامت انسان به پیشگاه بشریت و پیوند با آفریدگار متعال است. سنت نبوی وقف را می‌توان از جنبه‌ها و زمینه‌های گوناگون بررسی نمود. نوشتار حاضر می‌کوشد تا نقش وقف را در فقر زدایی از جامعه به تصویر بکشد.

این مقاله پس از مقدمه و تبیین مفاهیم لغوی و اصطلاحی وقف و کاربرد آن در فرهنگ قرآنی و روایی، به نقش آن در از بین بردن فقر می‌پردازد و در بررسی مختصر نتیجه می‌گیرد که وقف از عوامل مهم تقویت تعاون، همبستگی، رفع محرومیت‌ها و رسیدن جامعه به تعادل به شمار می‌آید و تأکید فرهنگ اسلامی بر این موضوع، در تحولات اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی از صدر اسلام تا کنون تأثیرگذار بوده است.

### واژگان کلیدی:

وقف، فقر، اقتصاد، نوع‌دوستی



## مقدمه

موقوفات به عنوان بخشی از سرمایه‌های اقتصادی جامعه می‌توانند بسیاری از نیازهای مادی جامعه به ویژه محرومان و فقرا و مستمندان را برطرف کنند.

همراهی و دستگیری از نیازمندان و ایتم از دیرباز در بین همه ادیان مورد توجه و از صفت‌های بارز ملل مختلف بوده. چون نوع دوستی و کمک به هموعان امری پسندیده و مطلوب بوده است، این کار در فرهنگ اسلامی نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، تا حدی که موقوفات مختلفی به این امر اختصاص یافته است. در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلِي حُبِّهِ مَسْكِينًا وَ يَتِيمًا وَ أَسِيرًا﴾ (دهر/۸) (و هم بر دوستی (خدا) به فقیر و اسیر و طفل یتیم طعام می‌دهند) و در ادامه می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَ لَا شُكُورًا﴾ (دهر/۹): [و می‌گویند:] ما فقط برای رضای خدا به شما طعام می‌دهیم و از شما هیچ پاداشی و سپاسی هم نمی‌طلبیم).

وقف، میراث جاویدان مکتب حیات‌بخش اسلام نیز می‌تواند انسان‌ها را از ناامیدی به در آورد و محرومیت‌ها را از بین ببرد. همان گونه که از لابلای سطور وقف‌نامه‌ها می‌خوانیم، واقفان خیراندیش، مال و منال و آنچه را که از دسترنج خویش اندوخته‌اند وقف اِطعام، کمک به درماندگان، ابن السبیل، بیماران، زندانیان، حتی تجهیز نوعروس بی‌بضاعت، مقروضان و ورشکستگان کرده‌اند. تا آنجا که اگر کوزه‌ای از سر کنیزی افتاد و شکست، کوزه دیگری به جایش تهیه گردد تا به عتاب و سرزنش ارباب خشمگینش دچار نشود.

علت اصلی اینکه بخشی مهم از نیت‌های واقفان خیراندیش به رفع نیازهای مادی انسان‌ها اختصاص یافته، این است که اکثریت مفسد و ضلالت‌ها از ظلم و خیانت و ضلالت اقتصادی نشأت می‌گیرد و زمینه مفسد معنوی و انحراف عقیدتی می‌گردد. بدین جهت می‌نگریم که دستور اکید پیامبر اسلام ﷺ به زمامداران، مبارزه با فقر است.

شیوه اسلامی و انسانی وقف نیز یکی از روش‌هایی است که در اسلام در کنار ده‌ها و صدها قانون و برنامه دیگر برای حمایت از توده مردم وضع شده که اگر به هر کدام درست و اصولی عمل شود، مشکل کمبود و فقر، حل خواهد شد.

در ادامه این نوشتار خواهیم کوشید که به نقش وقف در بهبود اوضاع و احوال جامعه و رفع فقرزدایی بپردازیم.

## ۱. وقف، مشارکت ثروتمندان و بینوایان

مشارکت ثروتمندان و فقرا و تهیدستان موضوعی است که در احادیث به روشنی مطرح شده است و این گونه تعالیم در راستای همان جهت‌گیری کلی تأمین معیشت عمومی و برخورداری همگانی و تعمیم منابع و زدایش کمبودها و کاستی‌ها در سطح جامعه است.

شرکت اغنیا با فقرا، در تفکر اسلامی، موجب می‌گردد که ثروتمندان

حق‌الشركه تھی دستان را بپردازند و طبقات محروم را تا مرز بی‌نیازی یاری رسانند. امام صادق علیه السلام در این باره فرموده است: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَشْرَكَ بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ وَالْفُقَرَاءِ فِي الْأَمْوَالِ؛ فَلَيْسَ لَهُمْ أَنْ يَصْرِفُوا إِلَيَّ غَيْرَ شُرَكَائِهِمْ» (کلینی، ۱۴۰۱ هـ ۳: ۵۴۵): (خدای متعال، ثروتمندان و بینوایان را در اموال شریک قرار داد؛ بنابراین ثروتمندان حق ندارند آن‌ها را برای غیر شریکانشان مصرف کنند).

شاید یکی از علل مشارکت این است که در برابر نیازهای ضروری افراد و جامعه، همه به ویژه توانمندان مسئولیت دارند نیازهای ضروری مردم را بر طرف کنند. امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ فَرَضَ فِي أَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ أَقْوَاتَ الْفُقَرَاءِ» (نهج البلاغه، حکمت ۳۲۸): (خدا، روزی [و نیازهای] بینوایان را در اموال اغنیا قرار داد).

به این علت‌ها و دیگر مصالح فردی و جمعی، اسلام بینوایان را شریک اموال اغنیا شمرده است. اکنون برای انجام این تکلیف یکی از شیوه‌ها وقف

است که ثروتمندان بخش‌هایی از اموال خویش را وقف نیازمندان کنند تا از این رهگذر تکلیف خویش را به انجام برند و از خود صدقه جاریه‌ای نیز باقی گذارند.

## ۲. وقف و تسهیل ازدواج

بسیاری از واقفان و انسان‌های نیکوکار بخشی از اموال خویش را وقف مصالح اسلام می‌کنند و به بنای مسجد و برگزاری مجالس مذهبی اهتمام می‌ورزند؛ ولی در تسهیل امر ازدواج جوانان چندان تلاش نمی‌کنند، و این‌گونه کارها را در راستای تعالیم و اهداف دین نمی‌دانند!

آیین مبین اسلام که هیچ بُعدی از ابعاد زندگی آدمی را از نظر دور نداشته است و زن و مرد را طبق آیه کریمه ﴿هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ﴾ (بقره/۱۸۷) مکمل و متمم یکدیگر معرفی فرموده، به سبب جامعیت و واقع‌بینی خود از سویی ازدواج را حافظ نیمی از دین خوانده، و از دیگر سو، پیامبر نیز آن را سنت خویش خوانده و

مسلمانان را بدان ترغیب کرده است. به هر صورت، نظر به تأثیر شگرفی که ازدواج در تحصیل فضایل، افزایش طهارت و پاکی اجتماع و خلاصه بهبود وضع اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه دارد، باید با استفاده از سنت حسنه وقف، دسترسی جوانان را بدان سهل و ساده کرد و موانع را از پیش پای آنان برداشت.

## ۳. وقف و تأمین مسکن مناسب

در قرآن واژه مسکن به معنی جایی که در آن آرامش باشد، آمده است (انعام/۳) خداوند تمامی مراحل سکنی‌گزیدن را، از ساخت مسکن، انتخاب زمین برای بنا کردن ساختمان و شهر و نیز چگونگی دست‌یابی بشر به قوانین ساختمان‌سازی را هدیه الهی می‌نامد و خاطرنشان می‌کند این آموزه‌ها تا زمانی که در مسیر حق و حقیقت باشد باعث رشد و سعادت انسانی و در پی آن رشد اجتماعی می‌گردد. (اعراف/۷۴)

امروزه تأمین مسکن مناسب برای شهروندان به عنوان عاملی حساس و



تأثیرگذار بر وضع اجتماعی جامعه از برجسته‌ترین وظایفی است که دولت‌ها در مقابل شهروندان خویش دارند؛ خواه این وظیفه را خود عهده‌دار شوند یا با تحریض بخش‌های غیردولتی، زمینه تحصیل آن را فراهم آورند.

به هر حال رفع معضل مسکن که تأمین هزینه آن همواره سبب هزینه خانوار را به سختی متأثر از خویش ساخته است، می‌تواند به وسیله اعمال سیاست‌های حمایتی یعنی وقف انجام پذیرد.

#### ۴. وقف و کار آفرینی و اشتغال

کار سرمایه‌جاودانی است و می‌تواند به رشد تمدن کمک کند. امروزه کارآفرینی از بزرگ‌ترین دغدغه‌های جوامع انسانی است؛ چه، کار، عنصری مقدس و حایز اهمیت است که در سایه‌سار آن، علاوه بر رفع نیازهای معیشتی، آرامش، همگرایی، هویت شغلی و اعتلای شخصیتی فرد محقق می‌شود. شغل به عنوان زیرمجموعه اصلی کار، نقطه اتکای مسئول خانواده

در اداره امور خانه بوده و تأمین‌کننده سرمایه‌ای است که پایداری رابطه متعادل و مفید خانه و جامعه، نیازمند هزینه شدن آن است.

از آنجا که چاره‌اندیشی برای تخفیف این مشکل بدون مشارکت جدی بخش خصوصی به انجام نخواهد رسید، ضروری است که از راهکار حسنه وقف در این عرصه نیز استفاده شود؛ اما پیش از آن لازم است این ضرورت برای نیکوکاران تبیین شود تا پاره‌ای از موقوفات و عایدی آن‌ها صرف این مهم شود؛ چه، کارآفرینی عبادتی است که ثواب مترتب بر آن بس والا و چشم‌افراست.

بالا رفتن بهره‌وری موقوفات از جمله کشتزارها نیز راهکاری است که پرداختن به آن می‌تواند به ایجاد فرصت‌های شغلی بینجامد.

#### ۵. وقف و اصلاح ساختار اقتصادی جامعه

اهتمام به امور مسلمانان و جامعه اسلامی ایجاب می‌کند که نخست

جامعه در همه زمینه‌ها (سرمایه‌گذاری، تولید و توزیع) گام‌هایی استوار و بلند بردارد و وقف این میراث جاویدان راهکار برتری است که می‌تواند در اصلاح ساختار اقتصادی جامعه نقش مؤثری داشته باشد و در نهایت فقر را ریشه‌کن کند.

### نتیجه

از مجموع بررسی‌های به عمل آمده درباره کارکرد وقف و نقش آن در فقرزدایی از جامعه نتایج زیر حاصل شد:

۱. از راهکار حسنه وقف می‌توان در چاره‌اندیشی برای رفع بسیاری از مشکلات و رفع فقرزدایی سود جست؛ و بدین ترتیب راه را برای بهبود ساختار اقتصادی جامعه هموار کرد؛

۲. سنت نبوی وقف وسیله‌ای است برای توزیع مجدد و حمایت از اقشار آسیب‌پذیر بدون آنکه هزینه‌ای بر بودجه دولت تحمیل کند؛

۳. سنت وقف همبستگی اجتماعی بین گروه‌های مختلف جامعه از

مشکلات اقتصادی حل شود. حتی اگر کسانی صد در صد به مسائل معنوی و روحانی می‌اندیشند و سامان‌بخشی به جامعه و نسل‌ها را تنها در تهذیب و تربیت نفوس و بهبود اخلاقی می‌دانند، بر اساس پیوند ناگسستنی که میان مسائل معنوی و مادی و اخلاقی و اقتصادی وجود دارد، باید به اصلاح ساختار اقتصادی جامعه و سامان‌بخشی به مشکلات معیشتی بپردازند. از این رو، بی‌تردید می‌توان گفت که هر نوع هزینه‌گذاری برای مسائل معنوی در رشد و گسترش تعالیم دینی، باید از مسائل معیشتی و زیست مادی افراد آغاز شود، و نخست این بعد را بهبود بخشد تا زمینه مناسب برای مسائل معنوی فراهم آید.

همه افراد مسئول به سامان رساندن نابسامانی‌های اقتصادی هستند؛ بنابراین جامعه اسلامی که دین‌باور است و به قانون خدا و عدل پیشوایان الهی حرمت می‌گذارد، باید به این مسئولیت کفایی یا عینی و فوری خود عمل کند و برای رفع نیازمندان و نابسامانی‌های اقتصادی

جمله اغنیا و فقرا را بیش تر می کند  
و از تضادهای طبقاتی به میزان قابل  
ملاحظه‌ای می‌کاهد؛

۴. وقف، خدمت ماندگار نسبت  
به جامعه است و نسل‌های بعدی از  
برکات آن بهره‌مند خواهند شد؛

۵. سنت حسنۀ وقف یادگار  
جاودانه‌ای از کرامت انسان به پیشگاه  
بشریت و پیوند با آفریدگار متعال  
است؛

۶. وقف، سنت نبوی که ریشه  
در زلال چشمه‌سار همیشه فیاض و  
نورآفرین دستوره‌های الهی دین اسلام  
دارد، به عنوان راهکار برتر، می‌تواند  
فقر و تهیدستی را از جوامع اسلامی  
ریشه‌کن کند.

### پی‌نوشت

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات عربی  
دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری.  
Fallahabrahim@gmail.com

# مسجد جامع چادگان و موقوفات آن

حمید رضا میرمحمدی

**چکیده**

شهرستان چادگان در غرب استان اصفهان واقع است و واقع شدن آن در ساحل دریاچه سد زاینده رود، آب و هوای مناسب و طبیعت زیبای آن، این شهر را به عنوان یکی از مراکز توریستی استان اصفهان مطرح نموده است. در این شهر مسجد جامع است که تاریخ ساخت آن به زمان قاجار باز می‌گردد. مقاله حاضر اول مطالبی راجع به تاریخ بناء مسجد را بیان می‌کند، سپس سند وقف مسجد بطور کامل آورده شده تا احوال موقوفات آن در زمان کنونی شرح داده شود.

**واژگان کلیدی:**

چادگان، مسجد جامع چادگان، سند وقف مسجد جامع چادگان، موقوفات مسجد جامع

چادگان





۷۰۳۷ نفر جمعیت بوده است.<sup>۲</sup> از آثار کهن موجود در شهر علاوه بر بافت قدیم آن که شامل چندین عمارت عمدتاً از زمان قاجار است، دو بنای دیگر قابل ذکر است: یکی ساختمان فعلی دفتر میراث فرهنگی معروف به منزل دکتر صالحی، و دیگری مسجد جامع (صرفاً بخش هشتی ورودی آن) که از جمله آثار کهن موجود در این شهر هستند.

### بنای مسجد جامع

آنچه سینه به سینه نقل شده است حکایت از آن دارد که در سال ۱۲۹۰ ق یک روحانی به نام سید اسد الله و فردی دیگر به نام سید جعفر (که ظاهراً معمار بوده) از اصفهان به چادگان و به منزل امام جمعه وقت آیت الله سید محمد مهدی می‌روند. در آن زمان معمول بوده که اگر فرد یا افرادی غیر از وابستگان اهالی به آبادی وارد می‌شدند، یا به منزل خان آبادی می‌رفتند و یا افراد ورود ایشان را به اطلاع خان می‌رساندند. هنگامی که سید اسدالله روحانی اصفهانی وارد چادگان شد، به منزل سید محمد مهدی امام جمعه وارد می‌شوند. چون امام جمعه از نظر مالی وضعیت مناسبی نداشت، حاج مصطفی قلی خان، خان بزرگ قریه چادگان فردی را به منزل امام جمعه می‌فرستد که از آنان بخواهد برای پذیرایی بهتر به منزل خان بروند. امام جمعه چادگان از رفتن به منزل خان خودداری می‌کند؛ بنابراین سید اسدالله و سید جعفر نیز به منزل مصطفی قلی خان نمی‌روند و همگی به منزل روحانی دیگر چادگان، یعنی ملا ابراهیم چادگانی که از نظر اقتصادی وضعیتی مناسب‌تر داشت می‌روند. فردای آن روز همگی به منزل مصطفی قلی خان رفته، و از وی می‌خواهند بخشی از ثروتش را به ساختن مسجد، حمام و غسلخانه اختصاص دهد تا هم با دادن خمس مالش، اموال خود را پاک کند و هم در آبادانی چادگان گامی بردارد. مصطفی قلی خان می‌پذیرد و مبلغ سیصد تومان برای ساختن مسجد، حمام و غسلخانه و مبلغی را نیز جهت کمک به فقرا اختصاص می‌دهد.<sup>۳</sup>

سید محمد مهدی امام جمعه مکان بنای مسجد جامع چادگان را مجاور حمام قدیمی و روبروی مسجد موسوم به علی نقی بیک که مسجدی کوچک بوده و تاریخ انشا وقف نامه آن سال ۱۱۸۳ ق است<sup>۴</sup>، قرار می دهد؛ سپس با هم فکری سید جعفر معمار اصفهانی ساختمان آن را طراحی می کند.

تکمیل مسجد جامع به علت سرما و یخبندان طولانی در منطقه، ۱۳ سال به طول می انجامد و نهایتاً در سال ۱۳۰۵ ق به پایان می رسد.

مصطفی قلی خان بخشی قابل توجه از آب و املاک خود را در سال ۱۳۰۵ هـ. ق بر مسجد فوق وقف می کند.

### ساختمان فعلی مسجد

مسجد جامع در سال ۱۳۵۴ شمسی نوسازی شده است. در این نوسازی بخش ورودی مسجد و هشتی قدیمی آن به علت اصالت معماری و سالم بودن آن حفظ گشته و نوسازی نشده است. ساختمان جدید مسجد توسط مرحوم سید حسن فصیحی امام جمعه وقت<sup>۵</sup> و حاج نعمت الله رحیمی معمار چادگانی صورت می گیرد. در نوسازی مسجد علاوه بر افزایش مساحت، بخشی نیز تحت عنوان حسینیه به ساختمان مسجد الحاق می گردد.

در داخل ساختمان وضوخانه مسجد که در سمت چپ ورودی مسجد قرار دارد، دوسنگ قبر نصب گردیده است یکی مربوط به عباس قلی خان اینالو میرپنج چادگانی، فرزند مرحوم حاج مصطفی قلی خان میرپنج (بنیان گذار مسجد) متوفای ۱۳۳۵ ق، و دیگری مربوط به رضاقلی خان فرزند عباسقلی خان است که در سال ۱۳۳۹ فوت کرده است.

شایان ذکر آنکه مرحوم مصطفی قلی خان میرپنج<sup>۶</sup> بنیانگذار مسجد و واقف موقوفات آن در قبرستان وادی السلام نجف اشرف دفن است.

## موقوفات مسجد

مسجد جامع دارای سه فقره موقوفه بوده است که بزرگ‌ترین موقوفه مسجد مربوط به آب و املاک مرحوم مصطفی‌قلی خان میرینج بوده است که حدود دو دانگ و سه حبه است. این املاک تا سال ۱۳۴۵ جزو موقوفات مسجد بود و درآمد حاصل از آن به مصرف مسجد می‌رسید. در سال ۱۳۴۵ به علت تأسیس سد زاینده‌رود، اراضی موقوفه فوق به زیر آب دریاچه سد زاینده رود رفت. شرکت «سد و عمران زاینده رود» اراضی فوق را بدون توجه به وقفی بودن آن‌ها از زارعان املاک خریداری کرد و بهای آن را پرداخت که اسناد و مدارک آن به تفکیک موجود است.

متأسفانه زارعین املاک وقفی با فروش این املاک اقدام به جایگزینی آن نکردند؛ از این رو املاک فوق از بین رفته است و اکنون اثری از این رقبات وجود ندارد. دو باب دکان وقفی واقع در مجاور در ورودی مسجد نیز در نوسازی مسجد در سال ۱۳۵۴ جزو ساختمان مسجد گردید.

سومین موقوفه مسجد دو باب دکان صباغی (رنگرزی) واقع در آبادی رُزوه از روستاهای فریدن بوده که متأسفانه این موقوفه نیز از بین رفته است. لازم است ذکر شود که آبادی رُزوه اکنون از شهرهای شهرستان چادگان است و در فاصله نه کیلومتری چادگان و بیست کیلومتری شهر داران واقع است. امامزاده عبدالله بن زید علیه السلام پدر امامزاده جلیل‌القدر سید عبدالعظیم حسنی مدفون در شهر ری، در این شهر واقع است.

## وقفنامه مسجد جامع چادگان

هو الواقف علی السرائر و المطلاع علی الضمائر. بسم الله الرحمن الرحيم. الحمد لله الذي جعل الحسنات مذهباً للسَّيِّئَاتِ، و الخيرات و المبرَّاتِ رافعاً للدَّرَجَاتِ، و بناءً المساجد للعبادات ظلاً لبانيها في العرصات، و وقفَ المزارع في حال



الحيوة مُثَمِّراً في الرضوان و الجنّات، و أعمال الخير في المآل و الخلوات رقيقاً في القبر و العقبات، و طريقة محمد ﷺ هو أشرف الموجودات وسيلة للنّجاة، و محبّة عليّ أمير المؤمنين و أولاده الطاهرين عليهم أكمل التّحيات حافظاً للنّار و الخطيئات.

غرض از نگارش و ادای این دیباچه مبرّاً از رشک و ریب، و مقصود از آغاز و بنای این صحیفه مبرّاً از نقص و عیب، آن است که شکر و سپاس فزون از وهم و قیاس سزاوار حضرت واقف السّرائر قدیم الاحسان، و بانی بنای این سرای جهان و معمار معموره این بلندایوان است که چرخ مقرنس را بی آلت خشت و گلی برافراشته، و طاق رواق آن را زرین خورشید و صور سیمین کواکب نگاشته، و آینه خانه زجاجی این نقوش به قبه اختران آراسته، و بهار آرای قدرتش گل های چهار باغ عناصر را به صبغ کامل رنگ آمیزی نموده، و صلوات زاکیات تحفه بارگاه عزّ و جاه حضرت رسالت پناه که پیوند طاعت قبول، بی وساطت شریعت مطهر او صورت نگیرد، و دعای بی محبت و صیّ بلافضل او امیرالمؤمنین و اولاد طاهرين او صلوات الله عليهم اجمعین استجابت نپذیرد.

از آنجایی که اگر هر یک از بندگان گوی سعادت از میدان اخلاص رباید و زنگ کدورت عصیان از دل و جان زداید و راه بندگی را به قدوم ارادت پیماید، خداوند فعّالٌ لما یرید ﴿الذي خلق الموت و الحیوة لیبْلُوکم ائیکم احسن عملاً و هو العزیز الغفور﴾، الطاف قدیم و اعطاف کریم خود را شامل حال او گرداند به عمل خیری، تا باعث رستگاری دنیا و آخرت او گردد و این اوقاف در این صفحات مصداق این مقال، شاهد احوال خیریت مآل سرکار عظمت مدار جلالت آثار شوکت اقتدار، مقرب الخاقان، کھف الحاجّ و المعتمرین حاج مصطفی قلی خان سرتیپ از طایفه اینالو چادگانی دام إقباله العالی گشته که نیت ضمیر را به خوانه [خانه‌ی] اخلاص نوشته، و بنیاد عمارات وجودش به آب و گل نیک اعتقادی سرشته، راست کاری و درست کرداری ایشان کالشمس فی وسط السّماء بر همه کس ظاهر و هویدا

گردیده، دنیا و آخرت را به میزان عقل سنجیده، به مضمون آیه و افرهادیت ﴿وما الحیوة الدنیا إلا متاع الغرور﴾<sup>۸</sup>، ﴿وکلّ من علیها فان﴾<sup>۹</sup>، و به مفاد ﴿إنّما الدنیا فناء لیس للدنیا ثبوت، إنّما الدنیا کبیت نسجته العنکبوت﴾<sup>۱۰</sup> دار دنیا را منزلی فانی و ویران دیده، و دل بستن به او از جاهلی و غافلّی فهمیده، و سرای آخرت را به مضمون «و الآخره خیر و ابقى»<sup>۱۱</sup> کاشانه با فرّ و جاویدان دانسته، و رشته محبت دنیا را از عاقلی و کاملی گسسته، دامن همّت بر کمر زده، جاهد و ساعی اعمال خیر گردیده، به کریمه ﴿من جاء بالحسنة فله عشر أمثالها﴾<sup>۱۲</sup>، محضاً لله و قرینه الی الله مسجد و حمام و غسلخانه که عمده اعمال حسنه و از لوازمات شریعت مطهره است، در دنیا و عقبی مایه نجات و رستگاری و سبب علو رتبت و بزرگواری است جنب حمام قدیم در وسط آبادی قریه چادگان من قرای فریدن از بلوکات اصفهان بنیاد نموده، در اول ماه رجب المرجب سنه پیچ نیل ترکی<sup>۱۳</sup> مطابق هزار و سیصد و دو هجری. علی هاجرها آلاف التحیه و الثناء. بنا نهاده از نقد و جنس و مال مخارج و انفاق نموده تا در سال دویم در ماه محرم الحرام از فخاری<sup>۱۴</sup> و بنائی و حجاری و نجاری آنچه لازمه استحکام آن بوده به اتمام رسانیده، تا از این بنای خیر، «هل جزاء الإحسان إلا الإحسان»<sup>۱۵</sup> در حق ایشان صادق آید؛ و دستگیر یوم میعاد

جزای حسن عمل بین که روزگار هنوز خراب می نکند بارگاه کسری را و محل عبادت کافه انام، و رافع احتیاج خواص و عوام قرار داده، تا ان شاء الله از کرم عمیم و اعطاف خداوند رحیم، نام نامی و اسم گرامی ایشان را در طومار ﴿وَلَا يَنْفِقُونَ نَفَقَةً صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً، وَلَا يَقْطَعُونَ وادياً إِلَّا كُتِبَ لَهُمْ لِيَجْزِيَهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾<sup>۱۶</sup> ثبت کند.

مسجد مشتمل است بر کُر<sup>۱۷</sup> و شبستان و صغه و صحن مسجد و دو اتاق تحتانی و دو ایوان فوقانی رو به فضای درب مسجد به سمت شارع عام. کُر و غسلخانه و شبستان از سمت مشرق به شارع عام، و از سمت جنوب به گلخن<sup>۱۸</sup> حمام، و از سمت مغرب به صغه مسجد، و از سمت شمال به خانه های



نصرالله ولد مرحوم محمدقاسم، و حدود هشت [هشتی] محدود می شود<sup>۱۹</sup>. و اتاق‌های فوقانی و تحتانی جنبی هشت و صحن و صفاه از این قرار است: از سمت جنوب و مغرب و شمال به شارع عام، و از سمت مشرق به شبستان و گلخن و حمام و بانی سابق الذکر وقف صحیح شرعی و حبس مخلد ملّی مسجدیت نمودند فرش و زمین شبستان و صفاه را بر قاطبه اّمت خیر البشر و ائمه اثنی عشر، که محل عبادتگاه ایشان بوده باشد، غیر از عبادت را در این دو محل شایسته ندانند و کار دنیا را بر آخرت اختیار نمایند و وقف عام نمودند بر تمام خلق الله صحن و ایوانچه‌های صحن و هشت و اتاق‌های فوقانی و تحتانی جنبی هشت و پشت بام‌های آن‌ها و پشت بام صفاه و شبستان مسجد را به جهت عبادت و آمد و شد و نشستن و برخاستن و گردش کردن و خوابیدن و بیع و شراء<sup>۲۰</sup> نمودن و منزل گرفتن اشخاصی که ظاهرالصلاح باشند در اتاق‌های تحتانی و فوقانی و ایوانچه‌های صحن از غریب و رهگذر، کاسب و پيله‌ور، و طیب و جراح، دراویش و تجّار، صحّاف و مکتب‌دار، بزّاز و عطّار از هر صنفی که لایق به جای مسجد باشد و خلاف شرعی از آن‌ها ناشی نشود، تعدّی و خرابی هم بر مسجد وارد نیاید، و لیکن بر متولی لازم است انفع را بر غیر انفع اختیار سازد؛ یعنی منفعتی حاصل شود که صرف مسجد نماید. اهل علم و فضل را بر دیگران مقدّم بدارد، ارادل و اوباش، عملۀ دیوان و فراش هرگاه بخواهند در این اتاق‌ها منزل گرفته، مسؤل عمل دیوانی باشند، راه ندهد؛ اما دو اتاق تحتانی رو به فضای درب مسجد از تفصیل فوق خارج هستند و در ذیل معلوم خواهد شد...

بعد ذلک، بر ضمیر مقرّب الخاقان سابق الذکر گذشته و به این خیال افتاده که جایی و مکانی، مزرعه و دکان‌ها به جهت مخارج مسجد و متعلقات او قرار داده و معین نموده، تا باعث ثبات و دوام او گردد؛ چون دنیا مزرعه آخرت است نه جای اقامت، و محل تدارک عاقبت است نه منزل سلامت؛ پس هر کس باید در او تخمی فشانند که عاقبت به کار آید و نهالی نشاند تا آخرت به بار آید؛ بنابراین توفیق بر

توفیقات ایشان افزود و بخت بلند اقبال و سعادت روی نموده، وقف صحیح شرعی و حبس مخلد ملی مسجد مشروح نمودند همگی و تمامی دو باب اتاق تختانی که واقع اند سمت فضای درب مسجد و دکان، و قرار داده‌اند همگی و تمامی دو دانگ و سه حبه ۲۱ از جمله شش دانگ هفتاد و دو حبات آب و املاک مزرعه لای دور سفلی من مزارعات قریه چادگان، که محدود می‌شود به املاک چادگان و به دماغه تپه ده کاه چادگان، که منتهی الیه املاک بابادگان است، و به نهر املاک جلبند و لای دور علیا با جمیع توابع و لواحق از ممر و مدخل و شرب و مشارب و کلمّا يتعلّق بها. در هر زمان هر صنفی از اصناف دکان‌دار که مناسب و انفع به حساب باشد، در این دو باب دکان مسکن بدهند؛ و آنچه مال الاجاره آن‌ها می‌شود، با مداخل حاصله از مزرعه مرقومه بعد از وضع مخارج از بذر و حق زارع، صرف مخارج مسجد از تعمیر و خرابی و چراغ و روضه‌خوانی و اجرت خادم و سایر مخارج متعلقها نمایند؛ و تولیه موقوفات مزبوره را از مسجد و حمام و غسل‌خانه و مزرعه و دکان مادام الحیوه در حق خودشان برقرار، و بعد الحیوه به ولد ذکور اکبر عاقل و ارشد امین کامل خود نسلاً بعد نسل واگذار. عیاداً بالله با انقراض اولاد ذکور به عاقله و رشیده و متدینه اولاد اناث، طبقه بعد طبقه سزاوارن بودند.

العظمه لله، با انقراض اولاد اناث به عدل و صاحب علم قریه مذکور. با نبودن صاحب علم در قریه مزبوره، به عدول مسلمین از اهل آبادی قریه مزبوره مفوض فرمودند هر طبقه از طبقات به ترتیب مسطور.

خداوند تبارک و تعالی را حاضر و ناظر دانسته در مقام بیع و شراء درنیاورند. هبه و صلح را در اینها جایز ندانند تا از عصیان ﴿فَمَنْ بَدَّلَهُ بَعْدَ مَا سَمِعَهُ فَإِنَّمَا إِثْمُهُ عَلِي الدّين يبدّلونه إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾<sup>۲۲</sup> محفوظ و مصون باشند.

بعد ذلک عالی شأن عزّت و سعادت نشان نصر الله بیک، خلف مرحمت مآب عزیزالله بیک چادگانی این اسباب خیر را غنیمت دانسته، قد راست کرده و به بهای کم ... آغاز نموده، به امید اجر بسیار و عطای بی‌شمار به دست‌آویز «یا مَنْ يُعْطَى

الكثير بالقليل»<sup>۲۳</sup>، موفق به توفیقات ربّ العزّ گردیده، وقف صحیح شرعی مسجد مرقوم نموده همگی و تمامی نیم دانگ مشاع از کل شش دانگ مزرعه مرقومه لای دور سفلی، از قراری که در فوق مرقوم گردیده، و تولیت او را نیز بر متولی مسجد مزبور از قراری که در ورقه مسطور است وا گذاشته، و ثوابش را مفعوض نمود به روح خاتم انبیا و ائمه هدی علیهم آلاف التحیه و الثناء تا از پرتو نور ایشان خداوند تبارک و تعالی والد واقف و زوجه او، که مرحومه مغفوره مبروره زینت خانم، صبیّه مرحمت و غفران مآب آقا میرزا بیک بوده باشد، از عقبات آخرت برهاند و به درجات عالیّه برساند و از جنّات عدن عوض عطا فرماید.

توضیح آنکه چون یک دانگ از ملک لای دور سفلی در تملیک علیا مخدره مکرمه محترمه والده عالی جاه رفعت جایگاه، نتیجه الخواص العظام احمد قلی خان بود، لهذا سه حبه از جمله هفتاد و دو حبات آب و املاک ... آفتاب مزرعه شامجان، عوض داده شد. هرگاه من بعد الیوم به خلاف مسطور ادعا شود، باطل و عاطل و از درجه اعتبار ساقط و هابط<sup>۲۴</sup> خواهد بود.

و صیغه معاوضه به طریق مصالحه به رضایت و اذن و امضای جانبین جاری و واقع شد. و کان ذلک فی پنجشنبه سیم شهر رجب المرجب من شهر ۱۳۰۳ (مهر): لا إله إلا الله الملك الحق المبين. مصطفى قلی انالو).

پوشیده و مخفی نماناد که علیا مخدره مکرمه محترمه مرقومه فوق، اقرار بر معاوضه نمود؛ و اطلاع کامل بر مضمون آیه و افره دایه ﴿انما هذه الحیوة الدنیا متاع و ان الآخرة هی دار القرار﴾<sup>۲۵</sup> به هم رسانیده، ایشان را سعادت یار و بخت مددکار آمد یک دانگ حقّ خود را از بابت و ققیه، تصدیق و تنفیذ نمودند که ان شاء الله تعالی، بنا بر مضمون ﴿من جاء بالحسنه فله عشر أمثالها﴾<sup>۲۶</sup> محفوظ و بهره مند گردند و اسمشان در طومار ﴿من عمل صالحاً من ذکر أو أنثی و هو مؤمن فأولئك یدخلون الجنة یرزقون فیها بغير حساب﴾<sup>۲۷</sup> ثبت گردد.

این گونه فیض ها همه کس را میسر نخواهد شد: ﴿ذلک فضل الله یؤتیه من یشاء

و مضمون تین جاں واقع شد و کان ذالک بیچ شنبہ ہم مهر جلالتی جب منور ۱۳۰۳  
 پر شہد و فقہ نامہ علیہ کلمہ کہ کرمی زور فوقی احوالی از دعا و شہد و اقلیہ کا کاس  
 برضوں آہد فرمایا انا هذه الحیوة الدنیا ما امان و ان الاخرة فی ظل العرش ہم ہم رب بنیہ  
 سعادت باہر بخت ہر کار آمد بکلمہ حق جھلا زیاست و فقہتہ الضعیف و فقہتہ کرمی کرمی  
 باہر ضوں من جاء بالحسنة فله عشر امثالها و عطف و ہر و منہ کردنہ و اسان در طوار من جمل  
 من ذکر اوائقی و هو مؤمن فاولئک یدخلون الجنة ہر طوار من جمل حساب بود کرد  
 از بیخ و ایدر کز فیض ہا کرمی ہم ہر کز از شد ذالک فضل العظمی ہر من بشتاء و احمد  
 ذوالفضل العظیم و ما و ضم و زور فوقی طارینہ منسخ و فسخ و کان ذالک تاریخ فوقی  
 توضیح آنکہ نیم دانگ دیگر از آب و املاک مزرعہ فوقی ابقی از عیالہ و نعمت و جلالہ و دستگاہ  
 حاج علیخان جزء و فقہ کردہ و عمر و فقہ باہر در او جاں رسید از زوار کرمی در فوقی فکر کردہ  
 نیا و نہ شمار کرمی شمار روز بروز و عمر و عزت و دولت و توفیقات حاج خان سر تیب دام اجداد بیغزایہ  
 و اعمال خیراں ان لک زبیر زبیر بگرداند و کان ذالک فی الثامن و العشرین شہر ربيع الثانی ۱۳۰۵

میرزا محمد علی خان  
 صاحب دارالعلوم  
 مدرسہ عالیہ  
 قزوین



وقف میراث جاویدان شملہ ۲۷ و ۲۸ بھار و ثانیست ۱۳۹۱

و اللہ ذوالفضل العظیم ۲۸.

و معاوضہ مرقومہ فوق را طرفین فسخ نمودند؛ و کان ذلک فی تاریخ فوق (مہر آقابیگم بنت محمد رضا).

توضیح آنکہ نیم دانگ دیگر از آب و املاک مزرعہ فوق ایتماعی از عالی جاہ رفعت و جلالت دستگاہ اشرف الحاج علی قلی خان جزء وقف گردید؛ و عمل وقف باید در او جاری بشود از قراری کہ در فوق قلمی گردید.

خداوند تبارک و تعالی روز بہ روز بر عمر و عزت و دولت و توفیقات حاجی خان سرتیب دام إجلالہ بیفزاید و اعمال خیر ایشان را زیاد بر زیاد بگرداند!

و کان ذلک فی الثامن و العشرین من شہر ربيع الثانی ۱۳۰۵. (مہر: لا إله إلا اللہ الملك الحق المبين. مصطفى قلی انالو).

## قرارداد اجاره یک باب دکان موقوفه در سنه ۱۲۴۷ هـ. ق

از جانب جلالت‌مآب، اجل اکرم افخم آقای رضا قلی خان یاور<sup>۲۹</sup> زید إجلاله نجل<sup>۳۰</sup> جلیل مرحمت‌پناه آقای عباس قلی خان امیرپنج طاب ثراه متولی مسجد بزرگ چادگان، قبول اجاره شرعیه اسلامیة نمود عالی‌شان آقا رضاقلی ولد مرحوم استاد ابوالقاسم صباغ<sup>۳۱</sup> چادگانی غُفر له تمامیت یک باب دکان صباغی موقوفه مسجد بزرگ چادگان واقع درقریه رُزوه با کافه ملحقات شرعیه و آب روان که محدود به حدود اربعه است؛ با اثاثیه موجودی آن به لیست جداگانه از حال الی فصل<sup>۳۲</sup> مدت پنج سال تمام دیگر، عید نوروز سلطانی به مال الاجاره مبلغ هفده تومان و نیم نقد که از قرار قسط‌التعین هر سال، اول میزان<sup>۳۳</sup>، مبلغ سه تومان و نیم درچادگان به اینجانب برسانند؛ و ضمن العقد شرط تعمیرات جزئی که حال لازم است به عهده مستأجر بوده باشد؛ و بعد از فصل مدت، آب خمره‌ها را به تصدیق قیمت بگیرد؛ و اساسیه [= اثاثیه] دیگر که خودش خرید، یا به قیمت بدهد، یا ببرد؛ و اساسیه [= اثاثیه] خود دکان را که حال موجود است، به موجب سیاهه<sup>۳۴</sup> بدهد. هرچه از میان رفته خود از عهده برآید.

و صیغه شرعیه جاری و واقع گردید فی شهر شعبان من ۱۲۴۷ (مهر: أفوض امری إلی الله<sup>۳۵</sup> عبده رضا قلی).

### هامش:

قد أُجريت صیغهُ الإجاره الشرعیه كما فيه، بإذن المستأجر فی ۱۸ شهر شعبان

۱۲۴۷

(مهر: عبد حسن بن ابوالفضل الحسینی؛ مقدس الألقاب آقا ملا علی اکبر؛ و عالی حضرت اسد الله؛ جناب عالی جاه خیر الحاج حاج شاه‌مراد بیگ زید عزه؛ جناب نتیجه الخوانین العظام آقای مهدی قلی خان زید عزه؛ احقر غلام حسین ولد مرحوم آقا غلامرضا صباغ چادگانی حاضر بودم).

در روز مصادف با ۱۳۹۱  
روز پنجشنبه ۱۳۹۱

از صاحب محبت حضرت آقا محمد باقر رضا قزوینی با دربار اقدس  
آقا میرزا محمد باقر مدرس  
علی لا رضا و لدرج اول اولیای صاحب  
ولایت صوفی سرور سید کریمانی و قدس در بر آورده  
شهر و ۹۰ روپ که در وید در این است

بابت بیسویس روپ که در این روز  
نور در سینه از لایحه بیسویس روپ که در این روز  
در سال اول از این بیسویس روپ که در این روز  
در این روز که در این روز  
کا از این روز که در این روز  
در این روز که در این روز  
اب جمله که در این روز  
با این روز که در این روز  
بجای این روز که در این روز  
صاحب و در این روز که در این روز



صاحب محبت حضرت آقا محمد باقر رضا قزوینی  
صاحب محبت حضرت آقا میرزا محمد باقر مدرس

صاحب محبت حضرت آقا میرزا محمد باقر مدرس

صاحب محبت حضرت آقا میرزا محمد باقر مدرس



## صورت اجاره دوباب دکان موقوفه درسنه ۱۳۰۴ هـ. ق

بیت  
 بیع دوازده تان نمره از اجاره  
 نه ۱۳۰۴ هـ. ق دو باب دکان  
 مسجد مرقوم که در پیشانی  
 مسجد مرقوم از بیع نمره ۱۲۰۰  
 شد از بیع دو باب دکان پنج باب  
 محمد صابر خادم مرقوم و اصل از بیع  
 تاریخ ۱۳۰۴ هـ. ق  
 محمد صابر خادم

مبلغ دوازده تومان نقد از  
 مال الاجاره سنه ۱۳۱۴ شمسی  
 [بابت] دو باب دکان مسجد  
 جامع چادگان، جهت روشنایی  
 مسجد مرقوم، از ید الله استکی  
 و عبدالرسول شکرانی مستأجر  
 دوباب دکان به این جانب  
 محمد صابر (نمره ۱۲۰۰) خادم  
 مسجد واصل گردید. به تاریخ ۵  
 شهر شعبان ۱۳۰۴ صحیح است.  
 محمد صابر خادم

۱۰۰

### موقوفات

مسجد جامع چادگان و موقوفات آن

#### هامش:

بیت  
 مقدار هشتم از بیع نمره  
 در ۱۳۰۴ هـ. ق دو باب دکان  
 خادم مسجد مرقوم که در پیشانی  
 مسجد مرقوم از بیع نمره ۱۲۰۰  
 شد از بیع دو باب دکان پنج باب  
 محمد صابر خادم مرقوم و اصل از بیع  
 تاریخ ۱۳۰۴ هـ. ق  
 محمد صابر خادم

اعترف كما رُقِم في التاريخ  
 سيد حسن الحسيني (مهر عبد  
 حسن بن ابوالفضل الحسيني). ۳۶  
 صورت موجب خادم مسجد  
 در سنه ۱۳۰۴  
 مقدار هشتم من به وزن شاه ۳۷  
 گندم در سنه ۱۳۱۴ شمسی  
 بابت موجب خادم مسجد جامع  
 چادگان از ملک موقوفه مسجد  
 مرقوم، حسب الحواله آقای



بابت قیمت سنگ ۱۱ ریال جو داده شد ۳۰ من	بابت مزد یک روز بنا با پنج نفر عملہ گندم داده شدہ ۱۰ من	موجب آقای ملا صابر گندم ۸۰ من	ایضاً مزد چند نفر عملہ جودادہ شدہ ۲۴ من و صد درم و پنج سیر	قیمت خشت جو دادہ شدہ ۱۰ من
--	--	--	--	--

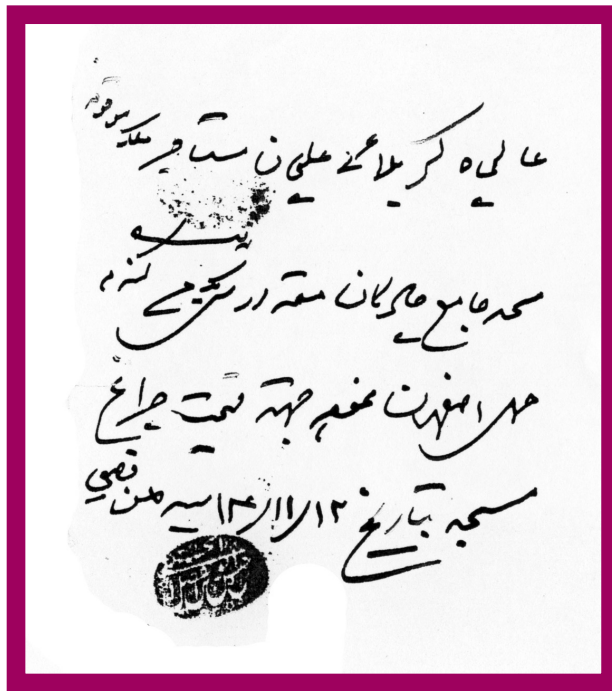
استاد رضاقلی کوره پز: بابت قیمت آجر، جو گرفته ۲۴ من	بابت مخارج بیست و چهار روز، حصیربافی از قند و چای و نان ۳۴ ریال، گندم داده شدہ ۴۴ من	بابت قیمت حصیر و مزد حصیربافی، گندم داده شدہ از قرار یک من سی شاهی <sup>۳۹</sup> یک صد و شصت وسه من ۴۰	ایضاً کربلایی رضاقلی کوره پز بابت قیمت، آخر گندم گرفته ۲۱ من	ایضاً گندم ۱۰ من
--	---	---	---	---------------------------

جمع مقدار مرقوم از جو ۱۰۲ تومان یکصد و یک من و نیم بابت کرایہ	جمع کلی گندم ۳۲۰ من	بابت کرایہ حصیر از قرار باری دوازده رالم جو ۳۶ من
--	------------------------	---

## صورت اجاره ملک موقوفه مسجد در ۱۳۱۴

عالی‌جاه کربلائی علی‌خان مستأجر ملک موقوفه مسجد جامع چادگان مقدر  
سی و یک من گندم حمل از اصفهان نموده جهت قیمت چراغ مسجد به تاریخ  
۱۴/۱۱/۱۲. سید حسن فصیحی<sup>۴۱</sup>.

شایان ذکر آنکه مسجد جامع فعلی چادگان فاقد هرگونه موقوفه است و کلیه  
موقوفاتی که ذکر آن گذشت، از حالت وقف خارج گردیده است. امید است ان  
شاء الله انتشار این اسناد گامی در جهت احیاء موقوفات آن باشد<sup>۴۲</sup>.



## پی‌نوشت‌ها

۱. میرمحمدی، حمیدرضا، (۱۳۸۰) «دیپاچه‌ای بر جغرافیای تاریخی فریدن (پرتیکان باستان)» ارمغان قلم، ص ۱۳۰؛ [WWW.sci.iranet.net](http://WWW.sci.iranet.net);
۳. اطلاعات دریافتی از آقای سید رضا نوحی چادگانی. شایان ذکر آنکه اسناد و مدارک مربوط به موقوفات مسجد جامع را نیز ایشان در اختیار نگارنده قرار داده است که بدین وسیله از ایشان سپاسگزار است؛ و امید است ان شاء الله اسناد و مدارک تاریخی گردآوری شده را با یاری خداوند به سامان برساند.
۴. اصل وقف‌نامه مسجد فوق که به صورت سنگ‌نبشته است، در اختیار آقای سید رضا نوحی چادگانی است که نگارنده این وقف‌نامه را در مجله وقف میراث جاویدان، شماره ۶۷ منتشر نموده است.
۵. مرحوم حجت الاسلام و المسلمین سید حسن فصیحی امام جمعه چادگان، فرزند مرحوم سید ابوالفضل فرزند سید علی قاضی طاب ثراه است که ایشان از علمای بزرگ منطقه بوده و از مرحوم آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری (بنیان‌گذار حوزه علمیه قم) اجازه اجتهاد داشته است.
۶. میر پنج به معنای امیر، و فرمانده واحدی در حدود ۵ هزارتن، و او بالاتر از «مین باشی» بود. «فرهنگ فارسی معین»، ج ۴، ص ۴۴۹۰.
۷. سوره ملک، آیه ۲: «همان که مرگ و زندگی را پدید آورد تا شما را بیازماید که کدامتان نیکوکارترید؛ و اوست ارجمند آمرزنده».
۸. سوره آل عمران، بخشی از آیه ۱۸۵: «و زندگی دنیا جز مایه فریب نیست».
۹. سوره الرحمن، آیه ۲۶: «هر چه بر زمین است فانی‌شونده است».
۱۰. کفعمی، ابراهیم، «محاسبه النفس»، قم: نشر قائم آل محمد، ص ۱۴۴. ظاهراً ابیاتی از یک شعر عربی است.
۱۱. سوره اعلی، آیه ۱۷: «و منزل آخرت بسی بهتر و پاینده‌تر است».
۱۲. بخشی از آیه ۱۶۰ سوره انعام: «هر کس کار نیکی بیاورد، ده برابر آن پاداش خواهد داشت».
۱۳. پیچ نیل / پیچی نیل به معنای سال بوزینه، سال نهم از سال‌های چینی و ترکی «فرهنگ بزرگ گیتاشناسی، عباس جعفری، گیتاشناسی»، ۱۳۶۶، ص ۲۰۴.
۱۴. فخّاری: کوزه‌گری، سفال‌گری، خشت‌پزی «فرهنگ فارسی معین»، ج ۲، ص ۲۴۹۱.
۱۵. سوره الرحمن، آیه ۶۰: «مگر پاداش احسان جز احسان است؟».
۱۶. سوره توبه، آیه ۱۲۱: «و هیچ وادی را نمی‌پیمایند مگر اینکه به حساب آنان نوشته می‌شود تا خدا آنان را به بهتر از آنچه می‌کردند پاداش دهد».
۱۷. گر: آب جاری؛ مقدار آبی که نجس نشود «فرهنگ فارسی معین»، ج ۳، ص ۲۹۲۶؛
۱۸. گلخن: تون گرمابه، اجاق حمام «فرهنگ فارسی معین»، ج ۳، ص ۳۳۶۶.

۱۹. هشت/هشتی: منسوب به هشت. محوطه‌ای به شکل کثیر الاضلاع (هشت ضلعی) یا مدور که بین کوچه و خیابان و در ورودی به حیاط می‌ساختند و در دو سوی آن سکوها برای نشستن افراد می‌گذاشتند «فرهنگ فارسی معین»، ج ۴، ص ۵۱۴۵.

۲۰. شراء: خرید؛ فروش «فرهنگ فارسی معین»، ج ۲، ص ۲۰۳۴.

۲۱. حبه: هر زمین شش دانگ، و هر دانگ ۱۲ حبه است. بنا براین شش دانگ برابر با ۷۲ حبه است.

۲۲. بخشی از آیه ۱۸۱ سوره بقره: «پس هر کس آن (وصیت) را بعد از شنیدنش تغییر دهد، گناهش بر کسانی است که آن را تغییر می‌دهند [آری، خدا شنوای داناست]».

۲۳. ای آنکه عطا می‌کنی بسیار را به کم. فرازی از دعای حضرت امام صادق علیه السلام در ماه رجب.

۲۴. هابط: فرودآینده، نازل «فرهنگ فارسی معین»، ج ۴، ص ۵۰۷۹.

۲۵. آیه ۳۹ سوره غافر: «این زندگی دنیا تنها کالایی ناچیز است؛ و در حقیقت آن آخرت است که سرای پایدار است».

۲۶. آیه ۱۶۰ سوره انعام: «هر کس کار نیکی بیاورد، ده برابر آن پاداش خواهد داشت».

۲۷. سوره غافر، بخشی از آیه ۴۰: «کسانی که کار شایسته کنند، چه مرد باشند یا زن، در حالی که ایمان داشته باشند، آنان داخل بهشت می‌شوند و در آنجا بی حساب

روزی می‌یابند».

۲۸. بخشی از آیه ۲۱ سوره حدید: «این فضل خداست. آن را به هر که بخواهد می‌دهد و خداوند را فرزون بخشی بزرگ است».

۲۹. یاور: درجه نظامی که سابق در ارتش معمول بوده و به جای آن کلمه «سرگرد» برگزیده شده «فرهنگ فارسی معین»، ج ۴، ص ۵۲۴۸.

۳۰. نجل: زاده، فرزند، نسل، «فرهنگ فارسی معین»، ج ۴، ص ۴۶۷۸.

۳۱. صباغ: رنگرز، رنگ‌سازی، «فرهنگ فارسی معین»، ج ۲، ص ۲۱۲۷.

۳۲. فصل: جداکردن، مانع، حاجز میان دو چیز، «فرهنگ فارسی معین»، ج ۲، ص ۲۵۵۰.

۳۳. میزان: هفتمین برج از بروج دوازده گانه سال شمسی، معادل آبان‌ماه. اول میزان: اول آبان‌ماه «فرهنگ فارسی معین»، ج ۴، ص ۴۴۹۳.

۳۴. سیاهه: نوشته‌ای که در آن اقلام دخل و خرج و مانند آن را نویسند؛ مُسَوِّدَه، صورت حساب «فرهنگ فارسی معین»، ج ۲، ص ۱۹۷۲.

۳۵. بخشی از آیه ۴۴ سوره غافر: «و کارم را به خدا می‌سپارم».

۳۶. آیت الله سید حسن حسینی فرزند آیت‌الله سید علی قاضی چادگانی، از علمای قرن اخیر چادگان است.

۳۷. مقیاس وزن معادل ۸۰ سیر معادل ۲ من معمولی (تبریز) برابر ۶ کیلوگرم است «فرهنگ بزرگ گیتاشناسی»، ص ۳۴۴

۳۸. صورت حساب فوق به طریق سیاق نوشته شده که به صورت حساب معمول تبدیل گردیده است. قابل ذکر است که تفاوت جزئی در جمع کل مشاهده می‌گردد.
۳۹. سی شاهی معادل یک ریال و نیم.
۴۰. مقدار فوق به حساب سیاق یکصد و شصت و چهار نوشته شده، ولی به حروف یکصد و شصت و سه نوشته شده است.
۴۱. سید حسن فصیحی فرزند آیت الله سید علی قاضی چادگانی از علمای قرن اخیر چادگان است.
۴۲. نگارنده از آقای سید رضا نوحی چادگانی به خاطر در اختیار نهادن اسناد و مدارک ارائه شده در این مقاله و نیز تلاش در جهت شناسایی و احیاء موقوفات فوق سپاسگزار است.